

به رود ببیونید اگر هدف دریاست

سال ۸۶ در حالی به پایان می رسد که کارگران و مزد بگیران در سراسر ایران سالی سخت و طاقت فرسا را سپری و تحمل کردند. آنها در اعتراض به اجحافات و در طلب حقوق ضایع شده خود در اکسیونهای زیادی شرکت کردند. حاکمان و مجریان قانون صدها بار به صفوف کارگران حق طلب حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. آنها در همین رابطه صدها کارگر را دستگیر، بازداشت و زندانی کردند و یا موجب بیکاریشان توسط مسئولان شدند. هزاران کارگر که برای گرفتن دستمزدهای معوقه خود (که در برخی جاها به ۳۰ ماه می رسد) در برابر اداره های دولتی اقدام به تجمع کرده بودند، از سوی نیروهای دولتی که حافظ سرمایه داران هستند سرکوب شدند. صدها کارگر تنها به علت طلب دستمزدهای معوقه از کارفرما در پیچ و خم سیستم بوروکراسی اداری در انتظار صدور رای از سوی هیئت های تشخیص و حل اختلاف سرگردان هستند. جمع زیادی از کارگران با در دست داشتن آرای قطعی اداره کار در پشت درهای بسته دادگاه ها منتظر آرای قطعی هیئت های اداره کار هستند که معمولاً از هر صد نفر یک نفر به نتیجه خواهد رسید.

در سالی که سپری شد، ده ها کارگر بطروق گوناگون دست به خودکشی زدند، (حسن حسنی کارگر کارخانه کف کار که به دلیل عدم توان پرداخت هزینه زندگی خود را در کارخانه حلق اویز کرد، فقط یک نمونه بارز از این تراژدیهاست).

کارگران و مزد بگیران شریف!

توجه داشته باشید که چگونه در سال ۸۵ شورای عالی کار افزایش دوگانه دستمزد را تصویب و آن را طی بخشنامه ای به کلیه ادارات کار جهت اجرا ابلاغ کرد، اما کارفرمایان بر آن شوریدند و به اعتراض به تصویب آن در مقابل وزرات کار تجمع کردند و در همانحال صدها هزار کارگر شاغل را بیکار کردند. متعاقب آن اقدامات وزرات کار دولت مماشست کرد و با افزودن یک تبصره بر آن بخشنامه، پرداخت دوگانه دستمزد را منوط به توافق بین کارگر و کارفرما نمود. بله! در نتیجه اعتراض و اقدامات ضد کارگری کارفرمایان بخشنامه شورای عالی کار لغو شد و آب از آب هم تکان نخورد و کسی هم به اتهام تجمع غیر قانونی دستگیر یا بازداشت نشد!؟

سال ۸۶ دستمزد هر کارگر ۱۸۳۱ هزار تومان تعیین کردند، اما حتی این دستمزد اندک نیز در ۹۰ درصد از کارگاهها به کارگران پرداخت نشد و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق این کارگران در خانه های استجاری زندگی کرده و با این تورم سرسام آور همیشه شرمنده اعضای خانواده و حتی موجر نیز بوده و هستند؛ و لیکن در مقابل، هنگامی که کارگران در اعتراض به کمی دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار تجمع کردند، بلافاصله نیروهای حافظ سرمایه در محل حضور یافتند و کارگران را "ضد انقلاب" و مخل امنیت ملی خواندند و آنان را به اتهام اقدام علیه امنیت نظام دستگیر و روانه زندان کردند و همچنین به دلیل اعتراض به بخشنامه شواری عالی کار به محاکمه کشاندند.

کارگران و مزد بگیران!

هنوز چند ماه به پایان سال ۸۶ مانده بود که مسئولان دولت طی مذاکره های پی در پی دستمزد کارمندان را ۶ درصد افزایش دادند، یعنی در سال ۸۷، ۶ درصد به دستمزد کارمندان دولتی اضافه شد و این در حالی است که رقم تورم و گرانی افسار گسیخته بنا به گزارش پژوهشهای مجلس شواری اسلامی به حدود ۲۴ درصد رسیده است. معضل تورم و گرانی که رفته رفته می رود تا مشکلات و مصائب جامعه را به فاجعه تبدیل کند، برای اکثریت نیروهای جامعه به ویژه طبقه کارگر و مردم زحمتکش کمرشکن است و تاب تحمل را از آنان گرفته است. آری در کشوری با این همه منابع ملی، در کشوری که مردمانش بر روی گنج خوابیده اند، در کشوری که فقط درآمد حاصله از نفتش در همین یکسال بیش از ۶۰ میلیارد دلار بود، آری در چنین کشوری ۸۰ درصد از جمعیت باید جهت تامین هزینه ها و صرفا برای زنده ماندن خود را به آب و آتش بزنند.

کارگران، تشکلهای کارگری!

اگر امروز در برابر تورم لجام گسیخته و سرسام آور، سکوت کنیم و برای افزایش دستمزد خود عملاً به میدان نیایم، اگر اجازه دهیم نمایندگان انتصابی کارگران به همراه کارفرما و دولت در شورای عالی کار سرنوشت ما را به دست بگیرند و میزان دستمزدی که دولت و کارفرماها پیشنهاد می کنند برای سال ۸۷ تعیین کنند و اگر فریادهای در گلو خفته خود در جهت "حداقل دستمزد باید توسط نمایندگان واقعی کارگران تعیین شود" را سر ندهیم، یقیناً سرنوشتی بس ناگوارتر از کارمندان دولت در انتظارمان خواهد بود. اتحاد و تنها اتحاد طبقه کارگر متشکل در سازمانهای توده‌نی است که به این همه بیداد و اجحاف استثمارگران روی زمین پایان می دهد.

با پیوستن به صفوف کارگران به پیکار با باتیان و حامیان دردمندی و سیه روزی خود برخیزیم تا استثمار انسان از انسان را خاتمه بخشیم و بازو در بازو، تشکلهائی بسازیم تا ریشه ستم و نابرابری را در محاق تاریخ فرو نشانیم.

صفوف مبارزاتیمان هرچه سازمانیافته‌تر و فشرده‌تر باد!

زندان مرکزی سنندج ساعت ۴ صبح ۱۵/۱۰/۸۶
محمود صالحی بند پاک ۲